

نقل از مجله یادگار (خرداد ۱۳۲۸)

بقلم آقای عباس اقبال

وفیات معاصرین

علامه مرحوم محمد قزوینی

(۱۲۹۴ - ۱۳۶۸ هجری قمری)

یکی از شعرا بعد از مردن ابوبکر احمد بن علی بن ثابت معروف بن خطیب بغدادی (۳۹۲ - ۴۶۳) که مدت عمر خود را بجمع و نوشتن تاریخ بغداد صرف کرده در مرثیه او چنین گفته است .

لازات نداب فی التاریخ مجتهداً حتی رأیتک فی التاریخ مکتوباً

علامه فقیه مرحوم قزوینی از شماره سوم از سال سوم مجله یادگار تا شماره پیش که مصادف با مرگ معظم له شد در طی ده مقاله مبحث بسیار مفید و شیرینی را تحت عنوان « وفیات معاصرین » باطالع خوانندگان ما می‌رساندند و همینکه این عنوان را در ده قسمت با وایل حرف عین رساندند بدبختانه دست اجل رشته عمر ایشان را قطع کرد و هنوز این کار بنیمه نرسیده آن مرحوم را در تاریخ مندرج و در عداد معاصرین متوفی معدود ساخت و ما در شماره قبل باین ضایعه عظیم اشاره کردیم .

در این فاصله از طرف خوانندگان دور و نزدیک چندین فقره درخواست بما رسیده است که چرا ما در طی این مجله شرح حال آن مرحوم را بدست نداده و مواد لازم راجع بزندگانی آن استاد بزرگوار را برای طالبان تراجم احوال در دسترس ایشان نگذاشته ایم . تقاعد ما در این باب بیشتر از آن جهت بود که دیدیم که این مطالب در غالب جراید و مجلات مقارن فوت آن مرحوم انتشار یافت و ما که

را دیگر لازم نمیدانستیم ولی حالیه چون حدس میزنیم که آن جمله ممکنست بدست يك عده از خوانندگان ما نرسیده باشد چنانکه درخواست بعضی از ایشان از ما از همین مطلب حکایت میکند ذیلاً باجمالی در آن خصوص اشاره میکنیم و میگوئیم که مرحوم قزوینی فرزند ارشد مرحوم ملا عبدالوهاب قزوینی است و ملا عبدالوهاب که در ایام حیات خود بملا آقا معروف بوده پسر حاج عبدالعلی کدخدای قریه گلپوزور از قرای بلوک بشاریات قزوین بوده است .

ملا عبدالوهاب پدر مرحوم قزوینی که در محرم سال ۱۳۰۶ هجری قمری فوت کرده از مدرسین مدرسه دوستعلی خان معیرالممالک در طهران و از اجله علمای عصر خویش بشمار میرفته ، وی مخصوصاً در علوم ادبی و ترجمه علما و رجال اسلام تبحر داشته و بهمین نظر بعد از آنکه در سال ۱۲۹۴ از طرف علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه وزیر علوم وقت هیأتی برای نوشتن نامه دانشوران انتخاب شدند آن مرحوم هم بمعضویت هیأت مزبور اختیار گردید و بیشتر ترجمه احوال علمای لغت و صرف و نحو و ادب و فقه در کتاب مزبور نوشته قلم مرحوم ملا عبدالوهاب گلپوزوری قزوینی پدر مرحوم محمد قزوینی است و آن مرحوم خود میفرمودند که پدرم در باب ترجمه رجال برای مجلدات بعدی نامه دانشوران که بنا بود متدرجاً منتشر شود بقدر يك اطاق جمع کرده بود ولی پس از فوت آن مرحوم و مسافرت مرحوم قزوینی بارویا و بی مبالائی دیگران آن یادداشتها از میان رفت .

مرحوم قزوینی در پانزدهم ربیع الاول از سال ۱۲۹۴ هجری قمری در طهران در محله سنکلیج قدیم تولد شده و تا سال ۱۳۰۶ که پدر ایشان در حیات بوده مقدمات صرف و نحو را در خدمت والد ماجد خود تحصیل کرده سپس در دوازده سالگی پس از فوت پدر تحت وصایت و سرپرستی مرحوم شمس العلما شیخ محمد مهدی عبدالرب آبادی قزوینی^۱ از اجله ادبای عصر و نویسندگان کتاب نامه دانشوران بتکمیل تحصیل نزد اساتیدی مانند حاج سید مصطفی قنات آبادی و حاج شیخ صادق طهرانی و حاج شیخ

۱ - متوفی ۲۰ جمادی الثانیه از سال ۱۳۲۰ قمری در طهران (رجوع کنید بمجله یادگار

فضل الله نوری مازندرانی و ملاعلی نوری حکمی و آخوند ملا محمد آملی و حاج میرزا حسن آشتیانی مشغول شده و بزودی در نتیجه استعداد فوق العاده و تمرین و ممارست دائمی سرمایه وافر از کلیه علوم قدیمه بخصوص ادب و لغت و صرف و نحو و اشعار عرب بدست آورده و در عین جوانی عالمی دقیق و بصیر شده است .

مرحوم قزوینی چون از همان اوان جوانی فوق العاده کنجکاو و تشنه کسب معلومات و رفع مجهولات بوده بدرس مدرسه و تعالیم استادان محدود خود قناعت نمیورزیده بلکه در هر گوشه و کنار که از مردی فاضل و صاحب کمال و قابل استفاده اطلاعاتی می یافته بمحضر او میشتافته و از افادات ایشان بهره کامل بر میداشته است چنانکه غالباً ملازم محافل پرفیض مرحوم حاج شیخ هادی نجم آبادی و مرحوم سید احمد رضوی پیشاوری و مرحوم میرزا محمد حسین ذکاء الملک فروغی بوده و از انفس قدسیه ایشان کسب کمال و تعلیم تربیت و تهذیب نفس میکرده تا آنجا که میتوان گفت که این محاضر بیش از مجالس درسهای مدرسه‌ای در وجود آن نابغه بیمانند مؤثر شده و از هر چیز زیاده‌تر در سر نوشت معنوی و طرز فکر آن مرحوم دخالت داشته است مخصوصاً پشت پا زدن آن مرحوم بموهومات و تعبدات و تعلق خاطر تمام او بحقیقت و آزاد منشی و بحث و انتقاد منصفانه مدیون افکار مرحوم حاج شیخ هادی نجم آبادی و دیدن طرز محاورات و مجالس آن مرد بزرگ و آشنا شدن مرحوم قزوینی با اصول و روش کار اروپائیان نتیجه حشر و نشر با مرحوم میرزا محمد حسین فروغی و ملازمین مجلس او بوده است و این جمله یعنی حقیقت پژوهی و آزاد منشی و بحث و انتقاد و پیروی از روش علمی دانشمندان فرنگک خصائلی است که در تمام مدت عمر با مرحوم قزوینی همراه و در هر مرحله هادی و ضامن اعمال و اقوال او بوده .

مرحوم قزوینی در ایام تحصیل در طهران با مختصر مستمری که پدر ایشان از بابت عضویت دار التالیف و دار الترجمة زمان ناصریه داشت معیشت میکرد ضمناً ببعضی از دوستان و آشنایان جوان خود درس عربی میداد و بتشویق مرحوم فروغی بزرگ در کار ترجمه مقالات و کتب از زبان عربی بروزنامه تربیت یا کتابهایی که بتوسط

آن مرحوم انتشار مییافت کمک مینمود .

برادر کوچکتر مرحوم قزوینی آقای احمد عبدالوهابی اندکی قبل از سال ۱۳۲۲ قمری از طرف شرکت عمومی مأمور لندن شده بود ، ایشان پس از مدتی اقامت در آنجا چون شوق برادر امجد خود را بنسخ عربی و فارسی میدانستند و در لندن خزانه بزرگی از آنها دیده بودند برادر را برای دیدن و مطالعه آنها بلندن دعوت کردند و مرحوم قزوینی که در سنین بیست و شش از عمر بود بشوق تمام این دعوت را استقبال کرد بنحیال آنکه ایامی چند در لندن بماند و پس از آنکه مطالعه خود را کامل نمود با برادر بایران برگردد . لیکن این سفر موقتی سی و شش سال طول کشید ، جاذبه آن همه کتب نفیس ذیقیمت و فراهم بودن آنها در یکجا و سهولت دسترسی بآن نسخه های عزیز و نادر و آشنائی با مرحوم پروفیسور ادوارد براون که فریفته ایران و مطلعین بتاریخ و ادبیات آن بود قصد رحیل وقت مرحوم قزوینی را بتدریج باقامت مبدل ساخت و تحقیق و مطالعه و تصحیح و مقابله در رشته هائی که مورد ذوق و شوق آن مرحوم بود با آن حال دقت و احتیاط و وسواس که جبلتی معظم له محسوب میشد یکباره چنان یار و دیار را از یاد ایشان برد که دیگر جز تعقیب همان منظور مجال خیالی دیگر در خاطر آن مرحوم نماند و پس از آشنا شدن بطرز کار مستشرقین بدعوت پروفیسور ادوارد براون دست بکار تصحیح و انتشار تاریخ جهانگشای جوینی زد و چون بهترین و مصحح ترین نسخ آن کتاب در کتابخانه ملی پاریس ذخیره بود در ماه ربیع الثانی از سال ۱۳۲۴ یعنی بعد از دو سال اقامت در لندن پاریس منتقل گردید و از این تاریخ تا سنه ۱۳۳۳ که بعلت وجود جنگهای بین المللی اول و ظهور عوایق چند که منجر بجرکت مرحوم قزوینی از پاریس برلین شد آن مرحوم همواره در پای تخت فرانسه مقیم بود و جز در ایام تابستان که غالباً برای رفع خستگی بمملکت زیبای سویس میرفت دیگر از آنجا خارج نگردید و در همین مدت بود که بانتشار جلد اول تاریخ جهانگشای جوینی و حاضر کردن جلد دوم آن برای طبع

توفیق یافت و ضمناً چند مقاله و رساله در باب ادبیات و تاریخ ایران منتشر نمود و دو سه متن از متون قدیمه فارسی را تصحیح و احیا کرد.

هنوز سالی بیش از مدت اقامت مرحوم قزوینی در پاریس نگذشته بود که مشروطیت جوان ایران بر اثر دشمنی روسیه تزاری و اقدامات بلا رویه محمد علی میرزا بحال وقفه افتاد و آزادیخواهان و مشروطه طلبان یا مقتول شدند و یا باین طرف و آن طرف گریختند، از آن جمله عده ای نیز برای استیفای حقوق از دست رفته و رساندن فریاد مظلومانه خود بگوش آزادیخواهان دنیا و برگرداندن مشروطه بسویس و انگلستان و فرانسه پناه آوردند و در این کار مرحوم براون و یکمده دیگر از عدالت پرستان ممالک آزاد اروپا معین و معاضد ایشان شدند. مرحوم قزوینی نیز آنچه توانست در این راه کرد و در این مرحله غالباً راهنما و دستیار آزادیخواهان تبعید شده ایران بود تا آنکه مجاهدین طهران را فتح کردند و بار دیگر اصول مشروطیت در ایران مستقر گردید.

مرحوم قزوینی يك سال گذشته از شروع جنگهای بین المللی اول بدعوت آقای تقی زاده که در برلین سرپرست کمیته ایرانی آلمان بودند و روزنامه ای بنام کاوه بطرفداری از اتحاد اسلام و آلمان و اطریش و بدشمنی با روس و انگلیس منتشر میساختند بهمراهی مرحوم حسینقلیخان نواب که بسمت سفارت ایران در آلمان انتخاب شده بود از پاریس بطرف آلمان حرکت کرد و از طریق سویس در ۱۸ ذی الحججه ۱۳۳۳ (۲۷ اکتبر ۱۹۱۵) برلین رسید و تا پایان آن جنگها بلکه مدتی بعد از آن در آن شهر ماند و در تمام این مدت اوقات او بمطالعه نسخ خطی عربی و فارسی کتابخانه سلطنتی پای تخت آلمان و معاشرت با فضالای مستشرقین آن مملکت و اعضای کمیته ایرانی برلین و کمک بروزنامه کاوه و مصاحبت با آقای تقی زاده میگذشت و باینکه آرزوئی جز خاتمه یافتن جنگ و ادامه تصحیح و انتشار بقیه تاریخ جهانگشای جوینی داشت مراجعت آن مرحوم بیپاریس برای اتمام کار جهانگشا بعمل موانعی که بر نثر جنگ پیش آمده بود و عسادی نشدن روابط بین ممالک متحاربه تا يك سال پس

از خاتمه محاربات یعنی تا سال ۱۹۲۰ میلادی بتأخیر افتاد و تنها در این تاریخ اخیر بود که معظم له بدعوت دوست دیرینه خود مرحوم میرزا محمدعلیخان فروغی و تسهیلاتی که از طرف او فراهم گردید توانست از برلین بیاریس برگردد و دنباله از دست رفته کار سابق خود را در تحقیق و تصحیح کتبی که نیمه کاره مانده بود بار دیگر بدست بگیرد.

در طی این سفر دوم بیاریس مرحوم قزوینی با خانمی ایتالیائی ازدواج نمود و از او دختری آورد و این خانم تنها عیال مرحوم قزوینی و آن دختر یکساله فرزند اوست.

نگارنده اگرچه از چندی قبل از آنکه موفق بمسافرت بفرنگستان شوم کتباً با مرحوم قزوینی مرتبط شده بودم ولی اولین باری که محضر ایشان را در یافتم در اوایل تابستان سال ۱۳۰۳ شمسی (۱۹۲۵ میلادی) در بیاریس بود و از این تاریخ تا سه سال و نیم بعد که نگارنده از این سفر اول خود بفرنگستان بطهران برگشتم غالباً بایکدیگر بودیم و روز بروز رشته الفت و انس بین اثنین استوار تر و مؤکد تر میگردد و در این ایام مرحوم قزوینی باتمام کار جلد سوم جهانکشی جویبی که یک مقدار بعلمت عادی نبودن اوضاع اروپا و مقداری هم بجهت احتیاط و وسواس آن مرحوم بکنندی تمام پیش میرفت مشغول بود.

در اواسط سال ۱۹۲۸ میلادی اندکی قبل از مراجعت اینجانب از بیاریس بطهران مرحوم عبدالحسینحان نیمورتاش وزیر دربار ایران بیاریس آمد و برانهمائی جناب آقای حسین علاء که در آنوقت سفیر ایران در فرانسه بودند دیدنی از مرحوم قزوینی کرد. در این جلسه که روزی مقارن عصر در منزل مرحوم قزوینی با حضور آقای علاء و مرحوم حاج حسین آقا امینالضرب رئیس اطاق تجارت طهران اتفاق افتاد نگارنده نیز حضور داشتم. در آنجا صحبت از این شد که اگر ممکن باشد کسی از طرف دولت ایران مأمور شود تا از بعضی از نسخ نادره فارسی و عربی موجود در کتابخانه های اروپا یعنی از آنها که در ایران نیست نسخه هائی بردارد. مرحوم قزوینی گفت که سهلترین و مطمئنترین طرق برای اینکار عکس برداری از آنهاست

چنانکه امروز در همه جای عالم معمول و شایع است. این پیشنهاد مقبول افتاد و مرحوم تیمورتاش در دفترچه بغلی خود یادداشت کرد که برسیدن بطهران اعتبار کافی از دولت بگیرد و آنرا برای اجرای منظور فوق در اختیار مرحوم قزوینی بگذارد.

چیزی طول نکشید که نگارنده بطهران آمدم، روزی مرحوم تیمورتاش مرا بدربار احضار کرد و در ضمن صحبت های دیگر گفت که فلانی آن جلسه منزل آقای قزوینی در پاریس بیادت هست؟ گفتم بلی، گفت آن روز که من در پاریس قول دادم که بمحض رسیدن بطهران اعتباری برای نسخ خطی تحت اختیار ایشان بگذارم و مطلب را در دفترچه بغلی خود یادداشت کردم در وجنات آقای قزوینی چنان خواندم که ایشان پیش خود در باطن میگویند که بسیاری از رجال ایران از این قبیل وعده ها داده و بهیچیک عمل نکرده اند و لابد این نیز از همان قبیلهاست، سپس مرحوم تیمورتاش حواله یک صد هزار فرانک فرانسه را که برای آن مقصود بنام مرحوم قزوینی گرفته بود بمن نشان داد و گفت که دیدی که من بقول خود وفا کردم و وعده خود را فراموش ننمودم. قرار بود که ارسال پول برای منظور فوق هر سال مرتباً صورت بگیرد ولی چون کمی بعد مرحوم تیمورتاش از کار افتاد دیگر کسی آن خیال را تعقیب نکرد و جز همان ۱۰۰۰۰۰۰ فرانک پولی دیگر جهت اجرای نقشه ای که بسیار مفید و مؤثر بود برای مرحوم قزوینی فرستاده نشد.

صد هزار فرانک مذکور در فوق با مبلغ مختصر دیگری که بعد از طرف وزارت معارف ایران بعنوان مرحوم قزوینی ارسال گردید صرف عکس برداری از هجده نسخه از نسخ عربی و فارسی کتابخانه های معتبر لندن و پاریس و لیدن و لنین گراد و برلین و قاهره شد و از هر کدام از آن نسخ مرحوم قزوینی در مدتی قریب بده سال دو الی سه نسخه با مقدمه های مفصل یا مختصر که بابتسرای هر کدام الحاق کرد بطهران فرستاد و از آن نسخه ها که بعد ها مورد استفاده فضا قرار گرفت و بعضی از آنها نیز بطبع رسید هنوز نمونه هائی در کتابخانه ملی طهران و کتابخانه دانشکده ادبیات باقیست.

مرحوم قزوینی تا اوایل پائیز سال ۱۳۱۸ شمسی در پاریس مقیم بود، در این تاریخ بعلمت حوادث جنگهای بینالمللی دوم و اشکالات فوق العاده ای که برای اقامت خارجیان در ممالک متحاربه وجود داشت و مخاطراتی که هر آن متوجه جان مردم بود فرانسه را ترك گفته بعد از سی و شش سال غربت در مهر ماه همان سال با خانم و دختر خود بطهران برگشت و پس از خانمه پذیرفتن جنگ باوردن کتابخانه نفیس خود از پاریس بطهران نیز توفیق یافت و دیگر یکسره از اروپا قطع علاقه کرد و مصمم شد که بقیه عمر را در وطن عزیز خود بپایان برساند.

از ۱۳۱۸ تا دو ماه قبل که روح پرفتوح آن مرحوم ببهشت جاویدان خرامید اوقات آن فقید سعید مانند تمام ایام سابق باز بمطالعه و تحقیق و تصحیح متون قدیمه میگذشت و بیشتر آن در قسمت اول بمعیت دوست یگانه عزیز جناب آقای دکتر قاسم غنی بتصحیح و نشر دیوان حافظ و در قسمت ثانی بدستیاری نگارنده بتصحیح و انتشار کتاب شد الا زار صرف شد.

از يك سال ونیم پیش اوضاع مزاجی آن مرحوم با وجود کمال احتیاطی که در امر غذا و حرکت و خواب رعایت میکرد يك مرتبه دچار اختلال گردید و کار بمریضخانه و عمل جراحی کشید. اگرچه عمل با توفیق قرین شد لیکن ضعف مفراط مزاج و عدم حرکت چند ماهه بتدریج دست و پای آن مرحوم را از کار انداخت تا آنکه در حدود ساعت ده بعد از ظهر روز جمعه ششم خرداد ماه ۱۳۲۸ شمسی برابر با ۲۸ رجب ۱۳۶۸ هجری قمری جان سپرد و جنازه آن مرحوم در جوار قبر ابوالفتح رازی مجاور زاویه حضرت عبدالعظیم در ری بخاک سپرده شد. سن آن مرحوم بسال و ماه قمری برابر با ۷۴ سال و چهار ماه و سیزده روز میشد و از او يك دختر باز مانده که یگانه فرزند اوست.

اما آثار و نوشته های مرحوم قزوینی غیر از مقدار کثیری یادداشت و ملاحظات که در روی ورقه های جداگانه یا دفترچه ها و حواشی کتب باقیست و مرتب منتشر نشده بیشتر بصورت مقالات رساله مانند و مقدمه ها بنا حواشی است که آن مرحوم

بر کتب مختلفه نوشته و بهمین جهت کمتر کتاب مستقلی در یک موضوع واحد از او باقیست اگر چه هر سلسله از آن یاد داشته‌ها که راجع بیک موضوع است اگر بهم پیوسته میشد خود بصورت کتاب مستقل بدیعی در می‌آمد ولی آن مرحوم هیچوقت حوصله این کار را نداشت و همیشه مقدار زیاد داشت های خود را در باب موضوعی کافی و کامل نمیدانست.

رسالاتی که بقلم مرحوم قزوینی نوشته شده واصل با ترجمه آنها مستقلاً بچاپ رسیده بقرار ذیل است:

- ۱ - لوایح جامی بفرانسه و ترجمه آن بانگلیسی بتوسط وین فیلد.
 - ۲ - شرح حال مسعود بن سعد بن سلمان که فقط ترجمه انگلیسی آن بتوسط پروفیسور ادوارد براون بانگلیسی منتشر شده.
 - ۳ - مقاله‌ای انتقادی و تاریخی در باب کتاب نفثة المصدور تألیف محمد نسوی مؤلف سیره جلال‌الدین منکبرنی که آنرا نگارنده در سال ۱۳۰۸ شمسی در طهران بطبع رسانده.
 - ۴ - رساله‌ای در شرح حال ابوسلیمان منطقی که در پاریس در جزء سلسله انتشارات انجمن تبلیغات ایرانی چاپ شده.
 - ۵ - تصحیح مقدمه قدیم شاهنامه.
- این دو مقاله را نگارنده در جلد دوم بیست مقاله از مقالات آن مرحوم در طهران بتاریخ ۱۳۱۳ شمسی بچاپ رسانده‌ام و از آن دو رساله دوم باختصر تغییراتی در کتاب هزاره فردوسی نیز بطبع رسیده است.
- ۶ - رساله‌ای در شرح حال مدوحین سعدی که در ضمن مجموعه‌ای از مقالات از دیگران بنام سعدی‌نامه در ۱۳۱۶ شمسی از طرف وزارت فرهنگ باهتمام فاضل ارجند آقای حبیب یغمائی انتشار یافته.
 - ۷ - رساله‌ای در شرح حال شیخ ابو الفتوح رازی مؤلف تفسیر معروف فارسی که در آخر جلد پنجم از آن کتاب در طهران بچاپ رسیده.

۸ - وفيات معاصرین شامل حال مختصر و تاریخ وفات بزرگان عالم اسلام که با مرحوم قزوینی کم و بیش معاصر و آن مرحوم ایشان را دیده با از نام و نشان آنان با خبر شده بوده است. این قسمت که در صدر همین مقاله بآن اشاره شده در مجله یادگار انتشار می یافت و بر اثر مرگ آن مرحوم فقط تا اوایل حرف عین امتداد پیدا کرد و اگر بانها میرسید چون خیال داشتیم که بعدها آنرا بانکمیلانی بصورت کتابی علیحده منتشر کنیم شاید یکی از بهترین تألیفات مرحوم قزوینی و از مراجع همیشگی محققین تاریخ قرن اخیر ایران میشد. ما هنوز هم امیدواریم که پس از از مذاکره با ورثه آن مرحوم بقیه آن یادداشتها را تحصیل و پس از ترتیب و تبویب آنها را ابتدا متدرجاً در مجله یادگار سپس بصورت کتابی مستقل بچاپ برسانیم. اما کتبی که آن مرحوم آنها را تنها یا بکمک دیگران تصحیح و منتشر یا برای چاپ حاضر کرده از اینقرار است.

۱ - مرزبان نامه سعدالدین وراوینی که در سال ۱۳۲۶ قمری در لیدن از بلاد هلند بچاپ رسیده.

۲ - المعجم فی معاییر اشعار المعجم تألیف شمس الدین محمد بن قیس رازی که مثل کتاب اول در جزء انتشارات اوقاف کیب در سال ۱۳۲۷ قمری در بیروت بزبور طبع آراسته گردیده است.

۳ - چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی که ایضاً بتوسط اوقاف کیب بامقدمه و حواشی بسیار در سال ۱۳۲۷ قمری در لیدن انتشار یافته.

۴ - تاریخ جهانگشای جوینی تألیف عطا ملک جوینی در سه جلد که چاپ مجلدات سه گانه آن از سال ۱۹۱۲ میلادی تا ۱۹۳۷ بطول انجامیده است.

۵ - جلد اول از لباب الألباب عوفی با مقدمه و حواشی (جلد دوم را قبلاً مرحوم براون بچاپ رسانده بود).

۶ - دیوان خواجه حافظ شیرازی بهمراهی آقای دکتر قاسم غنی که مصحح ترین و دقیق ترین کلیات حافظ است و بدستور وزارت فرهنگ در سال ۱۳۲۰ شمسی از آن چاپی عکسی شده است.

۷ - شد الأزار ذر مزارات شیراز تألیف معین السدین جنید شیرازی بدستیاری
نگارنده این سطور باحواشی بسیار دقیق و مفصل که چاپ آن با آنها رسیده و عنقریب
پس از تکمیل فهرس منتشر خواهد شد .

۸ و ۹ و ۱۰ - تصحیح کتابهای هفت اقلیم امین احمد رازی و مجمل التواریخ
فصیح خوافی و عتبة الکتبه انابك منتجب الملك جوینی که هر سه با مشارکت نگارنده
بوده و بعضی از آنها برای طبع حاضر شده ولی هیچیک هنوز بچاپ نرسیده است .
غیر از این جمله مرحوم قزوینی برتذکرة الاولیای عطار چاپ مرحوم پروفیسور
نیکلسن و نقطة الکاف میرزا جانی کاشانی چاپ مرحوم پروفیسور براون مقدمه های
محققانه نوشته اند . مقدمه هائی که آن مرحوم بر نسخی که برای وزارت فرهنگ
عکس برداشته اند همه را نگارنده در جلد دوم بیست مقاله منتشر کرده ام و مقالات
دیگر آن مرحوم را که قبل از سال ۱۳۰۷ شمسی در جراید و مجلات انتشار یافته
بوده دوست ارجمند فاضل ما آقای پور داود بنام جلد اول بیست مقاله در سال ۱۳۰۷
شمسی در بمبئی منتشر نموده اند . يك عده از مقالات آن مرحوم هم از ابتدای تأسیس
مجله یادگار (شهریور ۱۳۲۳ شمسی) در آن مجله مندرج است . برای بقیه احوال و
شمه ای از خصایل آن مرحوم رجوع شود بدو مقاله ای که نگارنده در شماره قبل
یادگار و مجله اطلاعات ماهیانه (تیرماه ۱۳۲۸ شمسی) نوشته ام .

پرتال جامع علوم انسانی



مرحوم علامه قزوینی